

شورای نظامی، اخوانیزم و مرسی

ششم – تحقیق و پژوهش (استاد صباح)



اگر بخواهیم از فعالیت‌های سیاسی مرسی در پارلمان مصر بگوئیم، باید از اقدامات او در بر ملا کردن فساد حکومتی یاد کنیم؛ همچنین وی از جمله منادیان اصلاحات سیاسی در پارلمان بود و همواره خواستار ممانعت از حضور احزاب سیاسی بدنام در پارلمان و دادن اختیارات و بودجه بیشتر به شوراهای شهرها و رفع حالت فوق العاده و تمام قید و بندهای تحمیل شده بر مطبوعات و سندیکاهای سیاسی بود. مرسی همچنین از جمله قدیمی‌ترین منتقدان قرارداد صدور گاز مصر به رژیم اسرائیل به شمار می‌آید. او همواره از دستاوی سخنان می‌گفت که در پارلمان و دولت مصر در خدمت بیگانه‌ها بودند و تلاش‌های خود را بر تضعیف الازهر و آموزه‌های دینی و مذهبی در مصر متمرکز کرده بودند.

شورای عالی نیروهای مسلح مصر متشکل از بیست سه عضو بود که شش تن از آنان کاملاً بر تصمیم‌گیری‌های این شورا نفوذ کامل داشت.



مارشال محمد حسین طنطاوی رییس شورای نظامی قبلی



مارشال محمد حسين طنطاوي

این مقام در یازده فبروری سال دوهزار یازده به ریاست شورای عالی نیروهای مسلح مصر رسید و همچنان سمت وزیر دفاع این کشور را نیز در اختیار داشت. روی کار آمدن وی پس از سقوط دولت حسنی مبارک، رئیس جمهوری سابق مصر بود. طنطاوی یکی از مهره‌های اصلی در رویدادهای مصر پس از انقلاب بیست پنججوردیوهزار یازده است و نفوذ وی بیش از هر فرد دیگری قابل مشاهده است. طنطاوی در دوران مبارک برای مدت بیش از بیست سال یکی از متحدان مورد اعتماد وی بود. در یکی از اسناد دیپلماتیک فاش شده سفارت آمریکا در قاهره به واشنگتن در سال دوهزار هشت، از طنطاوی به عنوان فردی جذاب و باوقار یاد شده است اما در واقع وی فردی سالخورده است که به شدت در مقابل تغییرات ایستادگی می‌کند. در این سند افشا شده همچنین آمده است که افسران سطح متوسط مصر به طنطاوی سگ پودل مبارکمی‌گویند. این نوع سگ به ناکارآمدی، قدیمی بودن و وفاداری مشهور است.

جنرال سامی حافظ عنان لوی در ستیز نیروهای مسلح مصر



جنرال سامی حافظ عنان

این جنرال مصری همواره از گزینه‌های محبوب اردوی آمریکا بوده است و از وی به عنوان فرمانده دوم در میان جنرال‌های حاکم بر مصر یاد می‌شود. سامی حافظ عنان یکی از افسران سنتی اردوی مصر است که بر عملیات‌های اردو و نوسازی در ساختار اردو تمرکز دارد و در دولت آتی مصر نقش مهمی ایفا کرد. مقام‌های آمریکایی می‌گویند، جنرال عنان یکی از خطوط ارتباطی میان قاهره و واشنگتن محسوب می‌شود که نقش رابط را میان دو کشور ایفا می‌کند.

جنرال ممدوح شاهین معاون وزیر دفاع مصر در امور حقوقی



جنرال ممدوح شاهين

جنرال شاهين، مشاور حقيقي و قانوني اساسي شوراي نظامي و نماينده اردو در مجمع فعلي قانون اساسي مصر است. پس از انحلال پارلمان مصر که بیشتر اعضاي آن از گروه اسلامگراي اخوان المسلمين بودند، اين مقام در کنفرانس تلويزيوني خود اعلام کرد که تمام اختيارات قانونگذاري را در چهاردهجون دوهزاردوازده برعهده گرفته است و از ساير اقدامات اردو دفاع کرد. اين مقام در ماه مه دوهزار يازده اعلام کرد که اردو بايد نوعي تضمين دريافت کند که در صورت روي کار آمدن رئيس جمهوري جديد، اين شورا تغيير ي نکند .

جنرال حسن الرويني فرمانده منطقه نظامي مرکزي مصر



جنرال حسن الرويني

اين جنرال مصري پس از استعفای حسني مبارك، از طرف اردو مسئول محاکمه کردن هفت هزار تا ده هزار تن از انقلابيون مصر شد. اتحاد دموکراتيک که ائتلافي از احزاب سياسي مصر است و در جريان انقلاب شکل گرفت، جنرال الرويني و ساير جنرالهاي اردوي مصر را به کشتار معترضان متهم کرد. يك روز پيش از استعفای مبارك، اين جنرال مصري در جمع تظاهرکنندگان ضد دولتي ميدان التحرير حضور يافت و گفت: تمام خواستههاي شما برآورده مي شود .

سرلشگر محمد العصار: معاون وزير دفاع مصر



جنرال محمد العصار

این جنرال پس از انحلال پارلمان مصر در کنفرانس خبری خود با دفاع از اقدام اردو، گفت: ما قدرت کامل را به رئیس جمهوری کشور اعطا می‌کنیم. وی همچنین گفت که واگذاری قدرت طی مراسمی بزرگ در اواخر جون انجام خواهد شد. جنرال العصار همچنین چندین ماه پس از درگیری‌های مصر از سرنگونی مبارك به عنوان بزرگترین انقلاب در تاریخ مصر یاد کرد.

جنرال مختار الملامعون وزیر دفاع مصر



جنرال مختار الملا.

محمد حسین طنطاوی، رئیس شورای نظامی حاکم بر مصر از نخستین کسانی بود که ریاست جمهوری مرسى را به وی تبریک گفت. سرانجام رئیس جمهوری مصر طی مراسمی نظامی به طور رسمی قدرت را از شورای عالی نیروهای مسلح این کشور تحویل گرفت. مرسى، رئیس جمهوری مصر طی يك مراسم رسمی نظامی با حضور حسین طنطاوی، رئیس شورای عالی نیروهای مسلح مصر و سامی عنان، لوی درستیز این کشور و معاون طنطاوی و جمعی از فرماندهان عالی رتبه نظامی مصر قدرت را به طور رسمی از نظامیان این کشور تحویل گرفت. مرسى در این مراسم که با فیر گلوله توپ به افتخار وی آغاز شد در سخنانی عنوان داشت- امروز قدرت را از محمد حسین طنطاوی و برادران وی در شورای عالی نظامی مصر تحویل می‌گیرم و با قبول این امر مسئول شورای نظامی و تمامی ملت مصر خواهم بود. وی ادامه داد، شورای عالی نظامی مصر به وعده‌های خود در انتقال قدرت به رئیس جمهوری منتخب عمل کرده و امروز نقطه عطفی در تاریخ مصر خواهد بود.

انتخاب مرسی به ریاست جمهوری مصر به معنی این بود که پس از هشتاد سال مبارزه و سرگردانی، اکنون اخوان به صورت مشروع و قانونی به ریاست دولت دست یافته است. اما دولت آن‌ها مستأجل بود و درست در اولین سالروز آن با یک جنبش دیگری تحت عنوان تمرّد و به واسطه نظامیان حاکم بر مصر، ساقط شد. سؤالی که در این خصوص وجود دارد این است که چه عواملی در شکست مرسی و اخوان المسلمین نقش داشت؟ و اوضاع مصر بعد از مرسی چگونه تحلیل می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤالات باید دید چه بازیگرانی در صحنه مصر فعال هستند و چه منافعی را در جهت عملکردشان پیگیری می‌کنند.

نظامیان، اخوان المسلمین، سلفی‌ها، احزاب ملی‌گرا و لیبرال، آمریکا، رژیم یهود، عربستان و قطر را می‌توان مهمترین بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی مصر برشمرد. با نگاهی به تاریخ معاصر مصر، به وضوح می‌توان دریافت که نظامیان تنها قوای هستند که اصل قدرت را همیشه در دست داشته‌اند و انتقال قدرت نیز با نظارت و رضایت آن‌ها انجام شده است. این روند از زمان جمال عبدالناصر، انور سادات و حسنی مبارک به همین منوال بوده و حتی در روند انقلاب مردم مصر در بیست پنج جنوری هزاریارزده نیز اردو با حفظ وجهه خود و عدم دخالت در معارضه مردم با مبارک، آن‌را برای خود تثبیت کرد. اخوان المسلمین؛ جنبشی که حدود هشتاد سال به دنبال حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام بوده است و هر چند با ریاست جمهوری مرسی چنین به نظر آمد که اخوان قدرت را به دست گرفته اما همچنان بخش‌هایی از این جنبش همسو با سیاست‌های مرسی نبوده و نیستند. سلفی‌ها؛ گروه‌های تندروی که به ظاهر بر اساس برداشت خود از اسلام به دنبال اجرای احکام اسلام هستند و اولویت اول آن‌ها هم قبل از مبارزه با استکبار، دفع خطر شیعیان است. احزاب ملی‌گرا و لیبرال آن‌ها نیز به دنبال دست‌یافتن به قدرت و مدیریت کشور اما به شیوه دموکراسی‌های غربی هستند. البرادعی مهمترین نماینده این جریان است. آمریکا و یهود؛ آن‌ها به دنبال این هستند که در مصر، نظامی روی کار آید که خطری برای امنیت اسرائیل نداشته و ضمن تأیید کمپ دیوید، مطیع اوامر و اشنگتن و تلاویو باشد. البته عدم حمایت از محور مقاومت نیز از اولویت‌های اصلی به‌شمار می‌رود.

عربستان و قطر به نظر می‌رسد منافع این دو کشور در مصر تا حدودی شبیه به یکدیگر است و آن آزادی عمل سلفی‌ها از یک طرف و وابسته نمودن مصر به خود از سوی دیگر وجود یک مصر بی‌ثبات و ضعیف آرزوی عربستان است که به دنبال سیادت بر اعراب می‌باشد. مرسی و اخوان در طول یکسال گذشته اشکالات گسترده‌ای داشتند اما اگر بخواهیم اشتباهات و خطاهای آنان را در یک سطر بیان کنیم، باید بگوییم اخوانی‌ها سیاست خود را بر مبنای ابهام، تردید و تأخیر بنا کردند و در هیچ حوزه‌ای حرف صریح و قابل قبولی نزدند.

مواضع اخوانی‌ها در حوزه اقتصاد اصولاً معلوم نبود و حال آن‌که مرسی وعده داده بود که در صد روز اول ریاست جمهوری خود گام‌های مهمی در این حوزه برای کاهش مشکلات اقتصادی مردم به خصوص در بخش‌های زراعت، حمل و نقل و امور شهری بردارد. اخوان المسلمین در حوزه سیاست خارجی هیچ حرف روشنی ارائه نکرد نه در مسأله فلسطین کسی بتواند فرق مواضع مرسی و مبارک را در این مسأله استراتژیک دریابد و نه در موضوع انقلاب‌های عربی تفاوتی میان نگاه مبارک و اخوان دیده شد به گونه‌ای که تا امروز هم اخوان با خواسته‌های به حق بحرینی‌ها و یمنی‌ها بیگانه‌اند. موضع مرسی درباره ایران حتی از موضع مبارک نیز عقب‌افتاده‌تر بود. مرسی هیچگاه جرأت نکرد با صراحت از روابط با ایران حرف بزند و آنگاه که برای حل مشکلات خود به رهبران ایران نامه نوشت، نتوانست پای درخواست

کمک خود بایستند. مرسی در مواجهه با موضوع سوریه نتوانست موضعی متفاوت از مواضع امثال ملک عبدالله و شیخ زاید بگیرد و حال آنکه او بر اثر یک انقلاب مردمی بر سر کار آمده بود.

موضع ضعیف اخوان در مسائل منطقه‌ای برخاسته از طبع به‌شدت محافظه‌کار اخوانی‌ها از یکسو و عدم درک درست تحولات بود. امروز اخوان و مرسی در حالی غرق در مشکلات سیاسی شده‌اند و هواداران داخلی و پشتیبانان واقعی خود در خارج را سرخورده کرده‌اند و این در حالی است که علی‌رغم تقاضا و تلاش فراوان نتوانسته‌اند هیچ جایگاهی نزد دولت‌های اروپایی و دولت‌های عربی پیدا نمایند. سوم جولای، پس از پایان ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته نظامیان مصری به سیاستمداران این کشور برای ایجاد توافق و پایان دادن به ناآرامی‌ها و سرریز زدن مرسی از تمکین به این اولتیماتوم، سرانجام سقوط دولت مرسی توسط فرمانده اردو مصر اعلام شد.

جنرال عبدالفتاح (السیسی) و اخوانیزم



عبد الفتاح سعید حسین خلیل السیسی در نوزدهم نوامبر سال نوزده پنجاه چهار در قاهره به دنیا آمدو در سال نوزده هفتاد هفت وارد اردوی مصر شد و در دوازدهم اگست دوهزار دوازده توسط مرسی به سمت وزارت دفاع مصر گمارده و جانشین طنطاوی شد. السیسی پیش از رسیدن به کرسی وزارت دفاع مصر در دولت هشام قنديل مسوول اطلاعات نظامی در اردو بود.

او دیپلوم خود را در رشته علوم نظامی از قاهره گرفته و برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرده و در سال نوزده نودو موفق به کسب ماستری در رشته علوم نظامی در این کشور شده است.

جنرال السیسی علاوه بر تحصیل در انگلیس به آمریکا نیز سفر کرده و در آنجا تعلیم ویژه اطلاعاتی دیده است. نیروهای مسلح مصر به سرکردگی السیسی در اول جولای دوهزار سیزده به مرسی رئیس جمهور مصر برای حل بحران سیاسی این کشور چهل هشت ساعت فرصت دادند و پس از این اولتیماتوم او را برکنار و عدلی محمود منصور را به عنوان رئیس دولت به جایش نشانند.

در بررسی چرایی عداوت محمد حسنین هیکل با اخوان المسلمین ، نوشته أبو الحسن الجمال ترجمه رسول رسولی‌کیا در جماعت و دعوت و اصلاح میخوانیم: « جنرال السیسی پس از جلسه‌ای چند ساعته با سران اپوزیسیون دولت مرسی، چهره‌های مذهبی مسلمان و قبطی و گروه‌های سیاسی مختلف، بیانیه‌ای را در تلویزیون قرائت کرد که بر طبق آن، پایان کار دولت محمد مرسی و تعلیق قانون اساسی جنجال بر انگیز این کشور اعلام شد. قرار است دولت موقت تحت حمایت

نظامی‌ها، تا زمان انتخاباتی زودهنگام، قدرت را به دست بگیرد. نقشه راه سیاسی که شامل انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست جمهوری و بتدوین قانون اساسی جدید است، مورد تایید رهبران سیاسی و مذهبی از جمله احمد الطیب شیخ الازهر، پاپ تاوادرئوس دوم رهبر قبطی‌ها و محمد البرادعی یکی از رهبران مخالف‌ها قرار گرفته است.

عدلی منصور مقام عالی قضایی و رییس دیوان عالی مصر به عنوان رییس دولت موقت معرفی شده است لحظه‌ای پس از پایان قرائت بیانیه توسط جنرال السیسی، اغتشاشیون در میدان التحریر غریو شادی سر داده و به پایکوبی پرداختند. شهر نصر که هواداران اخوان المسلمین در آن اکثریت دارند، تحت محاصره نیروهای اردو است. حزب نور دومین حزب اسلام‌گرای مصر گفته است که جهت جلوگیری از درگیری‌ها، با نقشه راه اعلام شده، همراهی می‌کند.

مرسی در صفحه رسمی فیس بوک خود، این روی‌داد را کودتای نظامی تمام عیار خواند و از مصری‌ها چه غیر نظامی و چه نظامی خواست از قانون اساسی پاسداری کرده و در مقابل این کودتا بایستند. «

آنچه می‌توان با قاطعیت گفت این است که مصر در آستانه یک تحول بزرگ قرار دارد و ممکن است این تحول، مثبت و سازنده نباشد و محصول آن روی کارآمدن یک دولت نظامی باشد که عنوان موقت داشته ولی برای چندین سال عنان قدرت مصر را در اختیار بگیرد. در عین حال در پهلوی این نگرانی، این سؤال مهم وجود دارد که آیا مردم بزرگ مصر تا آنجا با هم اختلاف پیدا می‌کنند و درگیر می‌شوند که بار دیگر به حکومت نظامی تن دهند؟

روند تحولات اخیر به تشدید تنش‌ها و شکاف‌ها منجر گردید و برخلاف آنچه تصور می‌شد، گذشت زمان و ابزارهای تشویقی و تنبیهی حکومتی نتوانستند فضا را برای تفاهم و یا پذیرش آماده نمایند. مرسی اگرچه بسیار مصمم در محیط کارش حاضر بود و بر جایگاه مشروعیت‌بخش خود تکیه می‌کرد اما نتوانست دیگران را به پذیرش این مشروعیت متقاعد نماید. اظهار نظرهای او که معمولاً توأم با کنایه‌زدن به رقبا و یادآوری جایگاه قانونی خویش بود، آتش اختلاف را افروخته‌تر کرد و این نشان داد که مرسی و جریان اخوان المسلمین شرایط را درک نمی‌کنند و برگه‌های لازم را برای تغییر وضعیت در اختیار ندارند. این در حالی است که عدم کاهش اعتراضات، یک وجه اصلی مدیریتی رئیس‌جمهور را برملا کرد و ناتوانی در اداره امور .

وقتی هواداران مرسی هم متوجه می‌شوند که او قادر نیست به‌عنوان رئیس‌جمهور شرایط را به نفع رسیدن به راه حل مدیریت نماید، از اطراف او پراکنده می‌شوند که این‌که ابوالفتح، سلیم العوا و احزابی چون الوسط طی ماه‌های گذشته به صفوف مخالفان پیوسته و مرسی را با مشکلاتش تنها گذاشتند. مسلماً در میان توده‌های رأی‌دهنده نیز این بدگمانی نسبت به توانایی‌ها و صلاحیت‌های مرسی به‌وجود آمده است که این‌که بعضی از خبرها بیانگر آن است که دست‌کم پانزده میلیون نفر از مردم مصری برگه عدم کفایت مرسی را امضا و حکم به برکناری او داده‌اند. اخوان المسلمین شرایط جامعه مصر و زمان مناسب برای اجرای برخی اقدامات را درک نکرد به همین علت دچار حماقت‌هایی شد که تلاش هفتاد ساله این جماعت را بر باد داد.



باز هم درین منبع آمده است: خطای بزرگ تاریخی اخوان المسلمین این بود که تصور کرد اوضاع جامعه مصر در ابعاد مختلف آماده پذیرش حکومت مطلقه این جماعت در بدترین شرایط اقتصادی است. اخوانی ها درک نکردند که ملت ستمدیده مصر علیه استبداد و نیز فساد مالی رژیم حسنی مبارک و خانواده های فاسد مرتبط با این رژیم قیام کرده و شعارنان، آزادی و عدالت اجتماعی را سر داده است. اخوانی ها باید به این نکته توجه می کردند که مردم مصر حکومتی را می خواهند که مشکلات اقتصادی شان را حل کند و در همین چارچوب به اجرای عدالت اجتماعی روی بیاورد و در عرصه سیاسی نیز حقی برای مشارکت گروههای دیگر قائل شود. جماعت اخوان اگر زیرک بود باید تلاش می کرد که گروه سیاسی دیگری در اولین مرحله پس از سرنگونی رژیم مبارک سرکار بیاید و در آشفته بازار کنونی مصر دچار شکست شود و سپس با برنامه و آمادگی بیشتر به عنوان منجی به عرصه سیاست این کشور وارد می شد.

اخوان شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه و ملت مصر را درک نکرد و متوجه نشد که اقشار گوناگون و پیروان مذاهب مختلف این کشور همگی در انقلاب علیه رژیم حسنی مبارک شرکت داشتند، مردم مصر علیه استبداد و فاشیسم این رژیم و نیز فساد مالی خانواده حاکم بر اقتصاد این کشور قیام کردند حال چگونه ممکن است که حکومت یک سازمان سری به نام جماعت اخوان المسلمین را به جای حکومت خانواده متنفذ بپذیرند؟! مردم مصر ملتی با هوش هستند و می دانستند که مرسی ویتزینی بیش نیست و این سازمان اخوان است که صحنه گردان اصلی سیاست و اقتصاد مصر پس از شروع ریاست جمهوری مرسی به شمار می رود به همین علت فریب قیافه گرفتن مرسی و تشکیلات ریاست جمهوری اش را نخوردند و معترضان به خیابان ها ریختند.

همچنان در کنگره آمریکا واکنش های متعددی در خصوص کمک های نظامی سالانه آمریکا به مصر صورت گرفته است. سناتور پاتریک لیهی از مهم ترین اعضای دموکرات مجلس سنای آمریکا و رئیس کمیته بودجه این نهاد است. این کمیته درباره حمایت های مالی این کشور به کشورهای خارجی تصمیم گیری می کند. وی خواستار متوقف شدن ارسال کمک های نظامی این کشور به مصر شد. این کمک ها یک میلیارد و سیصد میلیون دالر بالغ می شود.

پاتریک لیهی خواهان استقرار دولتی دموکراتیک در مصر شد. برخی از سناتورهای آمریکایی موضع محتاطانه ای داشتند. سناتور جان مک کین تاکید کرد محمد مرسی باعث ناامیدی ملت مصر شد. مک کین در حال از دولت آمریکا

خواست اوضاع مصر را در روزهای آینده زیر نظر داشته باشد. وی تاکید کرد نباید حکومتی نظامی در مصر وجود داشته باشد. مک کین خواستار برگزاری انتخابات فوری در مصر شد.

مک کین با اشاره به کمک های نظامی آمریکا به مصر بر این مسئله تاکید کرد در صورتی که دولتی دموکراتیک در مصر مستقر نشود، سرنوشت کمک های آمریکا به مصر در وضع خطرناکی قرار خواهد گرفت. سناتور لنزی گراهام نیز تنها فردی است که تحولات کنونی در مصر را کودتای نظامی توصیف کرد.

با قدرت گرفتن السیسی بار دیگر مصر به روسیه نزدیک شده است. این خبری است که قطعاً برای دستگاه سیاست خارجی واشنگتن چندان خوش نیست. پس از انقلاب های عربی، آمریکایی ها تلاش زیادی کردند تا تنها پایگاه منطقه ای مسکو در سوریه را مصادره کنند؛ نه که نتوانستند، اکنون شاهد نفوذ مسکو در حیات خلوت منطقه ای خود در مصر هستند. مصر قراردادی به ارزش حدود دو میلیارد دلار برای خرید تسلیحات با روسیه منعقد کرده است که بر اساس گزارش ها دبکا، راکت های دوربرد نیز در این قرارداد ملحوظ بوده اند. این قرارداد در حالی بسته می شود که ساختار اردوی مصر همچنان ساختاری غربی است. تحولاتی نظامی مصر که منجر به سرنگونی دولت مرسی شد از جهات مختلف قابل انتقادات جدی است اما این نکته هم قابل چشم پوشی نیست که سیاست خارجی واشنگتن در مصر اکنون به یک چالش جدی برخورد کرده است. کشورهای مصر و روسیه در آستانه عقد یک قرارداد تسلیحاتی هستند.

روسلان پوخوف، یکی از مشاوران سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه گفته است که حجم قرارداد نظامی نزدیک به دو میلیارد دلار (یک و نیم میلیارد یورو) خواهد بود. شویگو و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه برای مذاکره با هم تاییان خود در قاهره بودند، مصر از روسیه خواهان سیستم راکت های هوایی و ضدتانک است. رسانه های روسی بعید می دانند که این قرارداد در مدت اقامت لاوروف و شویگو در قاهره به امضا برسد. احتمال اینکه مصر بتواند در کوتاه مدت مقادیر زیادی تجهیزات جنگی از روسیه خریداری کند کم است.

در دهه های اخیر مصر بیشتر جنگ افزارهای خود را از ایالات متحده آمریکا وارد کرده است. یاراک اوپاما، رییس جمهوری آمریکا در ماه جون در اعتراض به برکناری مرسی توسط اردو، کمک های نظامی کشورش به مصر را بطور موقت قطع کرد. از آن پس نظامیان مصر به روسیه روی آورده اند. پیش از سفر دو وزیر روسی به مصر، بدر عبدالعاطی، سخنگوی وزارت خارجه مصر، در گفت و گوی اعلام کرده بود که مصر به شدت تمایل دارد، روابط خود را با روسیه گسترش دهد. عبدالعاطی روسیه را قدرتی بزرگ و پرنفوذ خواند و ابراز امیدواری کرد که این کشور در تربیت کادرهای متخصص اردو و بالا بردن توان نظامی به مصر کمک کند. در ماه اکتبر مقامات بلندپایه ای امنیتی روسیه با مقامات نظامی مصر در قاهره ملاقات کردند.

پیش از آن چند بار هیئت های مصری برای مذاکره به روسیه رفته بودند. علاوه بر این کشتی هواپیمابر روسی واریاگ به مدت شش روز در بندر اسکندریه اقامت خواهد داشت. از سال ۱۹۹۲ این نخستین بار است که یک کشتی جنگی روسی در بندری مصری لنگر می اندازد. از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۲ کشور اتحاد جماهیر شوروی که فروپاشید و به چند کشور از جمله روسیه تقسیم شد از مصر در مقابل اسرائیل حمایت می کرد. در آن سال ها در مصر بیش از ۲۰ هزار مستشار نظامی روسی مستقر بودند. پس از روی کار آمدن انور السادات در مصر، همکاری نظامی دو کشور قطع شد و آمریکا به مرور جای اتحاد شوروی را در مصر گرفت. حمایت قاطع مسکو از دولت قانونی سوریه بی تردید خشم حامیان اصلی

کودتا را برانگیخته و با این وصف خرید تسلیحاتی جدید مصر از روسیه را باید نوعی دهن‌کجی به سیاست‌های واشنگتن دانست. روند نزول واشنگتن در افکار عمومی مصر در روزهای پس از سقوط دولت مرسی کاملاً مشهود بود. این قرارداد نظامی به‌منزله یک توسعه قدرت در ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی توسط روس‌هاست و تردیدی نیست که با واکنش واشنگتن و متحدانش مواجه می‌شود.

با این حال، شاید در این فرآیند یک عامل دیگر هم دخیل باشد و آن دشمنی مشترک به نام سلفی‌گری است. حکام جدید مصر و کرملین هر دو با مشکلی به نام توسعه سلفی‌گری در خاورمیانه مواجه‌اند که باید آن را در ایجاد نوعی ائتلاف جدید موثر دانست؛ هرچند که در عمل و در برهه زمانی فعلی، نمی‌توان این ائتلاف را قایم و مستحکم دانست. به هر روی، دولت اوپاما با عملکرد شکننده خود در مصر، عملاً رشته‌های سیاست پیر آمریکایی را پنبه کرده است. با هر تقسیری از این قرارداد، مصر دیگر حیات خلوت واشنگتن نیست.

دولت مرسی اگر چه در سامان‌بخشی به اوضاع اقتصادی جامعه مصر ناکام بود، ولی مشکل اصلی‌اش جای دیگری بود. دولت مرسی در حقیقت در تله‌ی قانون اساسی گرفتار شد. تله‌ی قانون اساسی، اصطلاحی است که به معضل ایجاد موازنه بین اسلامگرایی و سکولاریسم در جامعه مصر اشاره دارد. از سوی دیگر در این کشورها، قبلاً قوانینی توسط سکولارها وضع شده است؛ مثل قوانین مربوط به نهاد خانواده یا قوانین مربوط به برابری مذهبی. یعنی جامعه از یکسو انتظار دارد که اسلامگرایان قانون اساسی دارای بعد مذهبی بنویسند و از سوی دیگر، جامعه در دوره طولانی حکومت سکولارها، رویه‌هایی را تجربه کرده و این رویه‌ها انتظاراتی را ایجاد کرده‌اند که سمت و سوی دیگری دارند. رویه‌هایی مثل آزادی حجاب و برابری مسلمان و غیرمسلمان.

این وضع متناقض موجب تاخیر در تدوین قانون اساسی جدید در مصر و تونس شده است، یعنی اسلامگرایان و حتی سکولارها، از یک سو می‌دانند که باید اسلام را در قانون اساسی جدید بپذیرند و از سوی دیگر، نگران حذف میراث سکولارها در جزییات قانون اساسی‌اند ... کسانی که به خیابان ریختند و جان‌شان را برای سرنگونی دولت مبارک به خطر انداختند، به خودشان حق می‌دهند که در صندلی مجلس هم بنشینند. در انقلاب دموکراتیک مصر و تونس، سکولارها هم شریک مسلمان‌ها بودند. به این ترتیب، مسلمان‌ها مجبورند سکولارها را نیز در قدرت سهم کنند.

ناتوانی مرسی و یارانش در ایجاد موازنه بین اسلامگرایی و سکولاریسم، در کنار ضعف‌های آنها در تدبیر معیشت مردم مصر، بحرانی ملی را در این کشور رقم زد که بوی خون می‌داد! وقتی که نیروهای اجتماعی سکولار و دموکراسی‌خواه مصر به میدان تحریر آمدند و درخواست سرنگونی دولت مرسی را فریاد زدند، نهاد سکولار اردو و شیخ اسلامگرای الازهر نیز از برکناری مرسی حمایت کردند؛ چه در شرایط نوپدید جامعه مصر، باقی‌ماندن مرسی در قدرت زمینه‌ساز از دست رفتن هر چه بیشتر وحدت و امنیت در جامعه مصر بود.

جنرال عبدالفتاح السیسی که فرمانده نیروهای مسلح مصر نیز هست، سه جولای در یک عمل نظامی مرسی را از قدرت برکنار، قانون اساسی را تعلیق و پارلمان را منحل کرد. وی روز بعد، عدلی محمود منصور، قاضی محکمه قانون اساسی مصر را به عنوان رئیس جمهور موقت منصوب کرد. اعتراض، نظامی‌گری، مداخله جویی و افراطی‌گری در فضای سیاسی قاهره به یکدیگر گره خورده است. تحقیقات از مرسی و هشت متهم دیگر که اکثر آنها از رهبران گروه اخوان المسلمین هستند به خاطر اتهام اهانت به دستگاه قضائی آغاز خواهد شد. مرسی و اخوان المسلمین نه تنها دیگر جایی در

راس معادلات اجرایی مصر ندارند، بلکه باید مانند دوران ریاست جمهوری حسنی مبارک خود را برای رفت و آمد به زندان و محاکم آماده کنند! اگرچه طرفداران مرسی و اخوان المسلمین نیز در خیابانهای قاهره حضور گسترده ای دارند اما رئیس جمهور مخلوع مصر عملاً دیگر توانی برای بازیابی قدرت از دست رفته خود ندارد.

تا همین دو سال و نیم پیش می توانستیم تصور کنیم که جنرال عبدالفتاح السیسی تبدیل به یکی از قهرمانان مصر خواهد شد. مصر برای نظامیان همواره آمد داشته است. ما به یاد داریم که حسنی مبارک رییس جمهور سابق این کشور در جنگ اعراب و اسرائیل، یکی از افسران نیروی هوایی مصر بود. انور سادات هم وقتی رییس جمهور بود، عاشق یونیفورم های نظامی بود؛ یونیفورم آبی رنگ با ربان های پر شمار. کلنل جمال عبدالناصر هم همین طور؛ میلیون ها مصری او را می ستودند. این بار اما به نظر می رسد تحسین سیسی تبدیل به عبادت او شده و از حد فراتر رفته است. روزنامه نگاران ستایشش می کنند، مردم شیرینی هایی را می خورند که پورتره سیسی روی آنها نقش بسته است. این روزها یک مقدار نوتهایصد دالری جعلی بین مصری ها دست به دست می شود که در آن، به جای تصویر بنجامین فرانکلین، عکس تمام رنگی سیسی را می بینید. این اسکناس عجیب و غریب و ساختگی را که در دست می گیرید، می بینید جنرال سیسی یونیفورم پوش، بدون لبخند به شما نگاه می کند. آن طرف اسکناس، یعنی سمتی که تصویر کاخ سفید حک شده، باز هم عکس فتوشاپی سیسی را می بینید. این بار، نشسته روی چیزی شبیه به سریر پادشاهی، با کلاه بیس بال به سرش، و دستی که زیر گونه گذاشته شده؛ سیسی در این عکس، مشغول تفکر است، لابد در فکر و رویای آینده درخشان و پرشکوه برای مصر!

مصری ها شاید به خاطر این که فرمانده اردو و وزیر دفاع شان رییس جمهور مرسی را بر کنار کرده و به اتهام کشتار مردم در تظاهرات ضد اخوان به محاکمه کشانده، سپاسگزار او باشند. اما این همه ماجرا نیست. روز محاکمه مرسی، در محکمه، یک روزنامه نگار مصری می پرسد به نظر تو، آیا برکناری مرسی، بالاخره یک کودتا بود یا یک انقلاب؟ این، سوالی است که این روزها در مصر پرسیده می شود. اگر شما بگویید برکناری مرسی، کودتا بوده، پس حتما یکی از حامیان اخوان المسلمین هستید. اگر بگویید انقلاب بوده، یا به عبارتی، بگویید که ادامه همان انقلاب سال دوهزار یازده بوده، پس طرفدار سیسی هستید. آیا می توان باور کرد که قرار است نام مرسی از این محکمه به عنوان بیگناه خارج شود؟ عجیب اینجاست که دنیای خارج هنوز سعی می کند با این اتفاقات غیرمعمول و بی معنی کوتاه بیاید. جان کری، وزیر خارجه آمریکا که قرار است همه ما فکر کنیم او تنها فردی در این دنیاست که می تواند صلح را برای فلسطینی ها به ارمغان بیاورد، درست یک روز پیش از محکمه مرسی، نه کمتر و نه بیشتر، سر از قاهره در آورد و این جملات مهربانانه و دلنشین را نثار سیسی کرد، "پیشرفت به سمت یک دولت غیرنظامی، باید بر اساس هنجارهای دنیای دموکراتیک رخ دهد، فارغ از این واقعیت که ما تفاوت های فرهنگی زیادی داریم و بر اساس سنت های خود عمل می کنیم". همه حدس می زدند که از کری فقط همین نامفهوم و بی ربط را بشنوند.

آیا منظور او این بود که مصری ها دوست دارند نظامی ها روسای جمهور منتخب را برکنار کنند، ولیکن آمریکایی ها چنین چیزی را نمی پسندند؟ البته این درست است که کودتای نظامی مصر این روزها به ندرت با انتقاد روبروست، حتی در کانال های ماهواره ای خارجی. حتی تلویزیون دولتی مصر نیز در زیرنویس گزارش های خود درباره خشونت های مصر، اغلب از همان لوگوی اردو مصر استفاده می کنند. با این حال، میلیون ها مصری چنین تفسیری از وقایع اتفاق

افتاده علیه دولت مرسی را پذیرفته اند. بله ! این درست است که در صحرای سینا شماری از سلفی ها دست به شورش زده اند و چندین نفر از نیروهای پولیس را به قتل رسانده اند اما این شورش های سلفی، با مبحث برکناری دولت مشروع - اگرچه به شدت ناکارآمد- مرسی خلط شده است. اردوی مصر، روی ماجرای بستن تونل های زیرزمینی بین مصر و غزه و انهدام هشت مخزن زیرزمینی حامل سه صدوسی و چهار هزار لیتر سوخت دیزل قاچاق که قرار بوده از طریق تونل ها به دست حماس برسد، کلی سر و صدای رسانه ای راه انداخت. به یقین، آوارگان فلسطینی در غزه، بهای اتحاد حماس با محمد مرسی را می پردازند. جنرال سیسی مرد جالبی است. کاکای او سال ها پیش از اعضای اخوان المسلمین بوده است. آیا به همین دلیل مرسی او را به عنوان وزیر دفاع دولت خود برگزیده بود؟ سیسی پس از جنگ نوزده هفتادسه از آکادمی ارتش فارغ التحصیل شده اما خودش هرگز در هیچ میدان جنگی حضور نداشته است. امروز در میان رهبران و فرماندهان بزرگ اردو، هیچ قهرمان جنگی بزرگی دیده نمی شود.

سرانجام سخت و سستی حوادث ثابت خواهد نمود که از زیرپلوچه چیزی بیرون خواهد شد؟. بادرود های گرم و صممانه « صباح ». منابع و ماخذ- علاوه از منابع که در لابلای نبشته تذکر داده شده است:

- خاطرات دکتر حسنین هیکل از جمال عبدالناصر- برگردان بفارسی موسسه طبع و نشر گلستان سیزده شصت یک .
- علل شکست اخوان المسلمین در مصر از نگاه محمد حسنین هیکل- تکرار اشتباهات در سرزمین فراغنه. منبع

<http://islamtimes.org/vdcjyaetiueqeyaz.fsfu.html>

- مصر در دوران جمال عبدالناصر و وزیردعوت و تبلیغ محمد حسنین هیکل نوشته / م - فیصل چاپ پنتراچی پاکستان نوزده نود و هشت.

- تاریخ سیاسی مصر و نقش محمد حسنین هیکل متولد ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ میلادی، روزنامه نگار نامدار مصری است که به مدت ۱۷ سال مسوولیتی بلندی در روزنامه الاهرام مصر و وزیردعوت و فرهنگ راداشت. اثرنویسنده چاپ موسسه راجا عباس در کراچی پاکستان سال دوهزار دو.

- جزراتشورای نظامی مصر

<http://www.tabnak.ir/fa/news>

- محمد حسنین هیکل کتاب جدیدش درباره مبارک

<http://www.irdiplomacy.ir>

- فهرست رئیس جمهور های مصر

<http://fa.wikipedia.org/>

- مصر از جمال عبدالناصر تا حسنی مبارک-استاد صباح.

pezhuhish.com/new/images/stories/pdf/3751.pdf Translate this page

- حسنی مبارک از صعود تا سقوط

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8911230929>

- پایگاه تحلیلی-خبری بالاتر از بالاترین

حسنی مبارک از ابتدا تا انتها

<http://balatarazbalatarin.blogfa.com/>

- باشگاه اندیشه / آشنایی با کشور مصر

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/40880>

- از حاکمیت فراعنه تا حاکمیت دموکراسی

<http://jelvei-digar.blogfa.com/post-86.aspx>

- شناخت ادیان، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور،

ج 2، ص 108.

- تاریخ صهیونیسم، سوکولوف، ناهوم، ترجمه داوود حیدری، ص 252.

- شناخت ادیان، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور،

ج 2، ص 109.

- اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، روزبه گارودی، ص 183.

- روزنامه ایران- جنگ شش روزه 1967 اعراب و اسرائیل

- دایرة المعارف‌های: زرین ، و اسلامي .

- مرکز بین المللی مطالعات صلح - تحولات منطقه و منازعه اعراب و اسرائیل؛ گذشته، حال و آینده متن کامل

مصاحبه با دکتر صادق زیباکلام.

- جنگ اعراب و اسرائیل

<http://www.sharghnewspaper.com/840704/html/v12.htm>

- تاریخ سیاسی مصر، نفت خاورمیانه و جنگ‌های ماجراجویانه

- سناریوی میانه به وضعیتی در میان دو جفت از سناریوهای مطرح شده اشاره دارد.

- وضعیتی میان سناریوی 1 و 2 ، وضعیتی میان سناریوی 2 و 3 نویسنده: محمد ابراهیم سینائی.

- آینده مصر و مصر آینده / [http://andishe-ap.org/index.php/foreign-policy/197-egypts-](http://andishe-ap.org/index.php/foreign-policy/197-egypts-future)

future

- بخش‌های خبری چون: بازتاب، ریانووستی ، ایسنا و...